

آبروی گره خورده با زندگی

❏ در همه دنیا، عشق مادر و پدر به فرزند، مثال زدنی است. اما چه می شود که با وجود این عشق، شاهد قتل فرزند به دست والدین هستیم. پاسخ آن سخت نیست. حل مشکل با حذف شخص. چرا؟ چون بهترین راه حل است. آیا درست است؟ خیر.

اگر امروز در خانه با فرزندم دعوا کنم و صدای مرا همسایگان بشنوند، آبرویم می رود و آنها هزار فکر در مورد ما خواهند کرد. من باید هر کاری را به بهترین شکل انجام دهم تا نشان بدهم، قوی و آگاه هستم. اگر شکست بخورم، بدبخت می شوم و نمی دانم دیگران درمورد چه فکری خواهند کرد. مشکل بزرگی در زندگی دارم که نمی توانم برایش راه حل بیابم، البته راه حل به ذهنم می رسد، اما مطمئن نیستم بهترین باشد. نمی توانم از کسی کمک بگیرم، چون راز است و اگر اطرافیان متوجه شوند، آبرویم می رود. پیش روان شناس یا مشاور هم نمی روم، چون دیوانه نیستم، در ضمن خودم يك پا روان شناسم و... در زندگی تان چقدر با این مسائل روبه رو شده اید؟ هنگام حل شان نیز بیشتر به قضاوت و نظر مردم اهمیت داده اید. شاید اگر این قضاوت نبود، راه حل های دیگری را انتخاب می کردید. البته حق دارید چنین فکر کنید. زیرا ما بدون این که بخواهیم، با باورهای و عقاید نادرستی بزرگ می شویم که از بچگی درون مان نهادینه شده اند. در دوران رشد، هزاران بار به ما هشدار داده می شود، قضاوت و حرف مردم در زندگی مان تاثیرگذار است و در بزرگسالی نمی توانیم غیر از این فکر کنیم، چون مضطرب می شویم. در صورتی که بسیاری از این باورها، از اساس نادرست هستند، اما فرار از آنها کار بسیار سختی است. اگر بخواهید از دست شان رها شوید، باید اضطراب و خشم زیادی را تحمل کنید. اینها قواعد و باورهای مرکزی نادرست ما هستند. به اعتقاد آلبرت ایس، روان شناس، چهار مقوله باور ناسالم، هسته مرکزی تمام مشکلات روان شناختی هر فرد را تشکیل می دهند: ۱- پرتوقعی (انتظار غیرمنطقی) ۲- فاجعه پنداری (وحشتناک دیدن وقایع) ۳- سطح پایین تحمل ناکامی (بی تحملی) و ۴- کم ارزش شمردن خود (ناارزنده سازی خویشتن).

همه اینها را گفتم تا برسم به این که در حوادث اطراف مان که بسیار عجیب است، چنین نکاتی بسیار تاثیرگذارند. وقتی موضوعی ناموسی پیش می آید، برای رهایی از این چهار فاکتور اساسی، بهترین راه، حذف آن کسی است که مرا اذیت کرده، موضوع وحشتناکی را موجب شده، باعث شده من زیر سوال بروم و احساس افسردگی کنم. پس بهترین راه حل، قتل است. با حذف شخص آبرویم حفظ می شود و چون قرار نیست گیر بیفتم، پس دیگران درمورد قضاوت بد نخواهند کرد، وجهه اجتماعی ام حفظ می شود و...

این که آبرو چیست و چه شاخصه هایی دارد، همیشه گنگ و مبهم بوده، اما به شدت وجود دارد و تاثیرگذار است. حذف شخص باعث می شود من به آرامش برسم، چون باور و عقاید من چنین می گویند. خیلی عجیب و غیرقابل درک نیست، وقتی رومینا یا بابک خرم دین، خواهر و دامادشان توسط والدین به قتل می رسند. ترس از قضاوت دیگران و حفظ آبرو و حمله همان عقاید نادرست نانوشته، بلایی به سر پدر و مادر می آورد که نتیجه اش می شود قتل. هنگامی که پدر بابک خرم دین می گوید چون مجرد بود، او را کاشتم، یعنی مجرد ایشان و احتمالا مسائل همراه این مجرد، دیگر قابل تحمل نبوده است یا بعدا اعتراف کرد از آنجا که دامادمان رفتار خوبی با دخترمان نداشت، او را کشتیم و دخترمان معتاد شده بود و آبروی مان در خطر بود، حذفش کردیم، یعنی انتخاب بهترین راه حل به زعم خودشان برای حفظ آبرو، تشخیص خانوادگی و آرامش. بسیاری گفتند کاش این پدر و مادر خانه را ترک می کردند، چرا والدین راه حل بهتری پیدا نکردند، هزار راه وجود داشت، چرا پدر رومینا تلاش نکرد با دخترش دوست شود و حرف های او را بشنود و... اما باید بدانید شما در بطن ماجرا نبوده اید. شما با باورها و عقاید نادرست این افراد بزرگ نشده اید، پس می توان گفت آنها با توجه به عقاید خودشان تصور می کنند بهترین تصمیم را گرفته اند. نمی خواهم طرفداری کنم، نمی گویم بهترین تصمیم را گرفته اند، می خواهم توجه تان به گره های شخصیت جلب شود. پدر و مادر بابک خرم دین به جایی رسیده بودند که در سالمندی تصمیم به قتل فرزند گرفته و امیدوار بودند لو نروند و بقیه عمر را با آبروزندگی کنند. در درون و شخصیت ما همین عقاید نادرست و چهار فاکتور ذکر شده وجود دارد. به همین دلیل باید مراقب شخصیت و گره های آن باشیم. باید رگه های شخصیت بیمارگونه را شناخت و درمان کرد تا بتوان فرزندی سالم تربیت کرد. برای حذف و تغییر باید از متخصصان روان شناسی کمک گرفت. اگر پدر رومینا و والدین بابک خرم دین می دانستند اسیر گره های شخصیتی خودشان هستند و برای درمان از متخصص کمک می گرفتند، شاهد چنین فجایعی نبودیم. اما افسوس که ما نادانسته اسیریم و نمی خواهیم به جنگ این افکار نادرست برویم.

پسرکشی به خاطر رابطه پنهانی

۲۵ اکتبر سال ۱۹۹۴ مادری به نام سوزان اسمیت به اداره پلیس در یکی از مناطق کارولینای جنوبی مراجعه کرد و گفت دو پسر ۳ و ۱۴ ماهه اش دزدیده شده اند. او ادعا کرد وقتی با دو پسرش داخل خودرو و پشت چراغ قرمز بوده، یک مرد سپاهپوست به زور وارد ماشین شده و فرزندانش را با خود برده است. او نزدیک به ۱۰ روز دائم در برنامه های تلویزیونی حضور می یافت و از تمام مردم محلی می خواست در پیدا کردن پسرانش به او کمک کنند. از روز سوم جست و جو، نیروهای پلیس به او مشکوک شدند. او در حالی که محل دزدیده شدن بچه ها را پشت چراغ قرمز اعلام کرده بود، اما نیروهای پلیس را به سمت یک رودخانه در همان حوالی برد.

نیروهای پلیس چند ساعتی ساحل آن رودخانه را گشتند اما هیچ اثری پیدا نشد. بعد از گذشت چند روز این خود سوزان بود که پرده از جنایتی تلخ برداشت. او اعتراف کرد دو پسرش را داخل خودرو گذاشته و در همان رودخانه اشاره شده غرق کرده است. این بار جست و جوی پلیس نتیجه داد و خودرو در قسمت های میانی رودخانه با آن دو پسر پیدا شد. در ادامه تحقیقات سوزان اعتراف کرد از چند وقت پیش با مردی ثروتمند آشنا شده بود و قصد ازدواج با او را داشت اما آن مرد گفته بود نمی تواند با پسرهای او زندگی کند. سوزان هم برای رسیدن به زندگی جدید، پسرانش را قربانی کرد. چند ماه بعد دادگاه سوزان را به دلیل قتل دو فرزندش به اعدام محکوم کرد اما چون مشخص شد او از افسردگی شدید رنج می برده، این حکم به حبس ابد کاهش یافت.



ند. ساله شان به نام جنت سکافی نشان داد جنت هود. در جریان دادگاه شیطانی بچه هایش را بدید است و بعد از دو



توانست لذت زندگی به روهان بکستر آشنا دند اما مدتی نگذشت بارها او را مورد ضرب و د. هانا بدهد. بکستر بعد ناموفق بود. در نهایت سال ۲۰۲۰ نقشه شومش به سمت کودکستان ت و آن را شعله ور کرد. متی یکی از عابران قصد د و در حالی که خودرو



باید رگه های شخصیت

بیمارگونه را شناخت

و درمان کرد تا بتوان

فرزندی سالم تربیت

کرد. برای حذف و تغییر

باید از متخصصان

روان شناسی کمک

گرفت



شماره تلفن های پذیرش ۴۹۱۰۵۰۰۰



امور آگهی های روز نامه جام جم

کارت و برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ جی ال ایکس، مدل ۱۳۸۱، به رنگ پشمی متالیک، شماره انتظامی ایران ۵۳-۳۴۷ ب ۷۲، شماره موتور 22568115720، شماره شاسی 0081013810 به نام جواد نصر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز وسند کمپانی خودرو پژو هاج یک ۲۰۷، مدل ۱۳۹۶، به رنگ مشکی متالیک، شماره انتظامی ایران ۱۳-۹۸۳ ج ۴۲، شماره موتور 179B0006342، شماره شاسی NAAR03FE1HJ157465 به نام منظر پاکت چیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی موتور آپاجی ۱۸۰، سفید رنگ، مدل ۱۳۹۵، شماره انتظامی ایران ۱۳۷-۹۷۳۱۱، شماره موتور E6BG2073550، شماره شاسی N2G180P9517363 فاقد اعتبار است.

شرکت تعاونی مسکن کارکنان شهرداری منطقه ۱۶
آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت دوم)
تاریخ انتشار ۱۳۰۰/۰۳/۰۵ شماره ثبت: ۴۷۲۸۵
در تعاونی و کارت شناسایی معتبر در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت طرفین (عضویت متقابل و اهلیت نماینده) برگه نمایندگی مربوط توسط مقام مذکور تأیید تکرار که ورود به مجمع عمومی برای نماینده صادر گردد.
ضمناً یادآوری شود این مجمع با حضور حداقل دو سوم از اعضا رسمیت می یابد و تصمیماتی که در آن اتخاذ می شود، برای کلیه اعضا (اعم از غائب و مخالف و حاضر) نافذ و معتبر خواهد بود.
دستور جلسه:
اتخاذ تصمیم در خصوص تغییر نشانی شرکت از آدرس قبلی به نشانی جدید استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله نازی آباد، بلوار شهید محمدجواد تندگویان، خیابان شهید علیرضا وفاقی، پلاک ۶ طبقه همکف. کدپستی: ۵۶۳۳۱۸۱۱۸۱
هیات مدیره

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم این شرکت تعاونی دعوت می شود تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم که رأس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۰۰/۰۳/۱۷ در محل دفتر شرکت تعاونی به نشانی: تهران، محله نازی آباد، بلوار شهید محمدجواد تندگویان، خیابان شهید علیرضا وفاقی، پلاک ۶، طبقه همکف بر گزای می شود، حضور بهم رسانید.
توجه: در صورتی که هر یک از اعضا نتوانند در مجمع عمومی فوق حضور یابند، می توانند استفاده از حق خود را برای حضور و اعمال رای در مجمع عمومی به یک نماینده تام الاختیار واگذار کنند. تعداد آراء واکالتی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود. لازم به ذکر است تأیید نماینده تام الاختیار با امضای بازرس تعاونی و امضای عضو هیات مدیره تعاونی خواهد بود. بدین منظور عضو متقاضی امضای نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت ۷ روز از انتشار این آگهی به همراه نماینده خود و با در دست داشتن مدرک موبد عضویت